

ORIGINAL ARTICLE

Endowment of Virtual Account

Mohadeseh Mohtaj¹, Seyed Pedram Khandani², Mehrdad Nazemi³

1. Ph.D. Student of Private Law, Islamic Azad University, Karaj, Iran.
2. Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Karaj, Iran.
3. Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

Correspondence:
Seyed Pedram Khandani
Email: pedkhan1969@iau.ir

Received: 04/Jan/2025
Revised: 28/Feb/2025
Accepted: 07/Apr/2025
Published: 22/Sep/2025

How to cite:

Mohtaj, M.; Khandani, S.P.; Nazemi, M. (2024). Endowment of Virtual Account, Civil Law Knowledge, 14 (1), 15-28. (DOI: [10.30473/clk.2025.73306.3331](https://doi.org/10.30473/clk.2025.73306.3331))

ABSTRACT

The endowment of virtual accounts is of great importance because, today, most of our activities, both economic and social, are carried out in these accounts. Subsequently, some of these accounts acquire significant financial value; therefore, if it is possible to endow such accounts, society, people, and governments can highly benefit from the advantages of such assets. Let's consider ourselves bound by the text of the law. A virtual account cannot be endowed because it is intangible and, therefore, does not have the characteristics of an endowment asset, which must be tangible and capable of being collected. This research, employing an analytical-descriptive approach, utilizes library resources and interprets various terms, relying on their customary meanings, to examine the ability to endow virtual accounts. Finally, given the dual nature of virtual accounts, obstacles to account transfer were investigated, and it was determined that accounts with financial value are endowable. Accounts with a non-financial nature, personal aspects, and personal information are non-transferable through endowment.

KEYWORDS

Contract Law, Endowment, Privacy, Property Law, Virtual Account.



«مقاله پژوهشی»

وقف حساب مجازی

محدثه محتاج^۱، سید پدرام خندانی^۲، مهرداد ناظمی^۳

چکیده

وقف حساب مجازی از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد؛ به این دلیل که امروزه بیشتر فعالیت‌های ما اعم از اقتصادی و اجتماعی در این حساب‌ها انجام می‌پذیرد. متعاقباً برخی از این حساب‌ها ارزش مالی قابل توجهی پیدا می‌کنند. بنابراین، در صورت امکان وقف این گونه حساب‌ها جامعه، مردم و دولت‌ها می‌تواند از مزایای این گونه اموال بهره بسیار ببرند. چنانچه خود را ملزم به نص قانون بدانیم، بنابراین وقف حساب مجازی امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ زیرا حساب مجازی یک مال غیرمادی می‌باشد و بنابراین، ویژگی‌های مال موقوفه که عبارت‌اند از عین بودن و قابلیت قبض را دارا نمی‌باشد. این پژوهش با رویکرد تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با تفسیر متفاوت از واژگان و تکیه بر معانی عرفیه آنها به بررسی قابلیت وقف حساب مجازی پرداخته است و در نهایت با توجه به ماهیت دوگانه حساب مجازی به بررسی موانع انتقال حساب پرداخته و آن دسته از حساب‌ها که ارزش مالی دارند، قابل وقف و آن دسته از حساب‌هایی که دارای ماهیتی غیرمالی و جنبه شخصی و حاوی اطلاعات شخصی هستند را غیرقابل انتقال از طریق وقف می‌داند.

واژه‌های کلیدی

وقف، حساب مجازی، انتقال، موانع.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
۲. استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
۳. استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

نویسنده مسئول:

سید پدرام خندانی

رایانامه: pedkhan1969@iaui.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

استناد به این مقاله:

محتاج، محدثه؛ خندانی، سیدپدرام؛ ناظمی، مهرداد (۱۴۰۴). وقف حساب مجازی، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۴ (۱)، ۱۵-۲۸.
(DOI: 10.30473/clk.2025.73306.3331)

مقدمه

بخش زیادی از عمر ما در فضای مجازی سپری می‌شود. ما در فضای مجازی جدا از فعالیت‌های شخصی نظیر ارسال ایمیل به فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی حتی فعالیت‌های روزمره مثل خرید و فروش می‌پردازیم. فعالیت ما در فضای مجازی به وسیله ابزاری به نام حساب مجازی امکان‌پذیر است. در خصوص حساب مجازی مباحث حقوقی فراوان قابل طرح است. برای نمونه، این حساب متعلق به چه کسی است؟ متعلق به شرکتی است که آن را ایجاد کرده یا کاربری است که با ثبت نام به نام شخص خویش حساب را ساخته و در حال استفاده از آن است؟ آیا این حساب‌ها قابلیت انتقال دارند یا خیر؟ آیا موانعی برای انتقال این حساب‌ها وجود دارد؟ این پرسش تنها جنبه نظری ندارد، بلکه آثار عملی نیز در بردارد، برای نمونه، اگر بپذیریم که حساب متعلق به کاربر است پس او می‌تواند آن را به دیگری منتقل کند و یا پس از فوت او به وراثت خواهد رسید، اما اگر آن را متعلق به شرکت بدانیم، پاسخ این سؤال‌ها متفاوت خواهد شد. پرسش‌های یادشده زمانی واجد اهمیت بیشتری می‌شوند که حساب ارزش مالی یافته باشد. یک مطالعه اخیر نشان داد که به طور متوسط آمریکایی‌ها رد پای دیجیتال^۱ یا فعالیت‌های خود در فضای مجازی را نزدیک به ۵۵۰۰۰ دلار ارزش‌گذاری می‌کنند^۲ (واتکینز، ۲۰۱۴).

در موقعیت کنونی شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات رویکردهای متفاوتی در ارتباط با این موضوع دارند، برخی از آنجا که این حساب‌ها را همچنان متعلق به خود می‌دانند، با فوت کاربر، حساب را منقضی شده می‌دانند (کیو مینگ، ۲۰۱۴) و برخی دیگر این امکان را فراهم کرده‌اند که حساب پس از فوت به وراثت برسد و یا در طول حیات، فرد بتواند آن را به دیگران منتقل کند (گاید، ۲۰۱۶). در حقوق آمریکا درباره حساب مجازی بسیار تحقیق شده است و پنج ایالت اوکلاهاما، کنتیکت، رود آیلند، آیداهو و ایندیانا همگی قوانینی را تصویب کرده‌اند (هالون،

۲۰۱۳). این ایالت‌ها بیشتر در مورد انتقالات قهری صحبت کرده‌اند و همچنین اعتبار دادن به وصیت‌هایی که در مورد اموال دیجیتال صورت می‌پذیرد و اختیارات وصی، اما ادبیات حقوقی کشور ما در این خصوص ضعیف است و تنها تعداد انگشت‌شماری مقاله در خصوص حساب مجازی با موضوع ارث حساب مجازی و وصیت حساب مجازی انتشار یافته است و این در حالی است که در کشور ما ایجاد و استفاده از این حساب‌ها رشد شتابانی داشته؛ چنانچه نظرسنجی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که شیب عضویت در شبکه‌های اجتماعی صعودی است. بر اساس نتایج آمارگیری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۹ بیش از ۶۵ درصد افراد ۱۵ ساله و بیشتر، حداقل در یک شبکه اجتماعی عضو بوده‌اند که نسبت به عضویت ۵۳ درصدی این افراد در سال ۱۳۹۶، عضویت در شبکه‌های اجتماعی در سه سال با رشد ۱۲ درصدی مواجه بوده است (اتاق ایران آنلاین، ۱۴۰۰). قوانین ما نیز تکلیفی برای حساب‌های کاربری مشخص نکرده‌اند تا جایی که در پیش‌نویس لایحه قانون حمایت از داده‌ها و حریم خصوصی در فضای مجازی که می‌توانست جای مناسبی برای طرح این موضوع باشد، سخنی در این باره گفته نشده است. به نظر می‌رسد به دلیل خارجی بودن تابعیت اکثر شرکت‌های ارائه‌دهنده این گونه خدمات، قانونگذار به این موضوع بی‌توجه بوده است (میرشکاری و فتاحی کته لته، ۱۴۰۰). شرکت‌های ارائه‌دهنده این خدمات نیز در این مورد سکوت کرده‌اند و تنها تعداد انگشت‌شماری به موضوع انتقال حساب مجازی اشاره کرده‌اند که آن هم شرکت‌هایی بوده‌اند که به‌وضوح موضوع فعالیت در آنها مالی بوده است. مانند شرکت‌هایی که در آنها خرید و فروش رمزارزهای دیجیتالی صورت می‌گیرد. برای مثال اپلیکیشن تتر لند و آبان لند. در اپلیکیشن آبان لند در مورد انتقال تترهای خریداری شده به حساب کاربر در صورت فوت کاربر صحبت می‌کند^۳، اما شرکت تتر لند در این موضوع مقررهای ندارد. رویه قضایی در ایران احکامی صادر نموده که به‌موجب آن رمزارزهای

پست الکترونیکی باشند یا ممکن است مجموعه‌ای از عکس‌ها، فیلم‌ها، اسناد، کتاب‌ها، موسیقی یا چیزهای دیگر و حساب‌های رسانه‌های اجتماعی یا سایر مطالبی که فی‌نفسه ارزشمند نیستند، اما از منظر احساسی غیرقابل جایگزین هستند (Varnado, 2013: 719).

۳. در صورت فوت یا حجر صاحب حساب کاربری، آبان تتر این حق و اختیار را دارد به محض مطلع شدن از این مسئله: نسبت به واریز وجوه ریالی کاربر به حساب اعلام‌شده^۴ ایشان در زمان احراز هویت اقدام کند. همچنین نسبت به تبدیل دارایی رمز ارز کاربر به تومان (معادل قیمت روز) و واریز وجه به حساب فوق اقدام کند.

1. Digital footprint

۲. رد پای دیجیتال به معنی فعالیت‌های ما در فضای مجازی است و به دنبال داده‌هایی است که هنگام استفاده از اینترنت از خود باقی می‌گذاریم و این شامل وبسایت‌هایی است که باز می‌کنید، ایمیل‌هایی که ارسال می‌کنید و اطلاعاتی که به‌صورت آنلاین ارسال می‌کنید. به‌طور کلی می‌توان فعالیت‌های دیجیتال یا مجازی را این‌گونه تعریف کرد: هر فایل و حساب، چه به‌صورت محلی و چه آنلاین ذخیره می‌شود. این شامل هر مورد دیجیتال مانند اطلاعات دیجیتال فرد، دارایی دیجیتال و حساب‌های دیجیتال است. اقلام دیجیتالی ممکن است به‌سادگی وسیله‌ای برای دسترسی به سایر موارد دیجیتالی مانند

دیجیتالی را قابل توقیف دانسته^۱ یا خواهان را ملزم به تحویل رمزارز دیجیتالی کرده^۲ است. بنابراین، می‌توان این‌گونه برداشت نمود زمانی که امکان توقیف یا تحویل وجود دارد. بنابراین، انتقال اینها نیز متصور می‌باشد. در مورد رویه قضایی کشورهای خارجی در این مورد به کرات آرای صادر شده که انتقال از طریق وصیت و ارث را تأیید کرده‌اند. بنابراین، باتوجه به فقدان قوانین و متون حقوقی در زمینه وقف حساب مجازی در این مقاله سعی شده تا راهکارهایی برای امکان انتقال حساب مجازی از طریق عقد وقف ارائه شود. این مقاله در ۳ مبحث تدوین شده که مبحث نخست مفهوم و ماهیت حساب مجازی بررسی خواهد شد در مبحث دوم این موضوع بررسی خواهد شد که آیا حساب مجازی را می‌توان از طریق عقد وقف انتقال داد یا خیر؟ و در مبحث سوم موانع این انتقال بررسی خواهد شد.

مبحث اول: مفهوم و ماهیت حساب مجازی

در مورد مفهوم حساب مجازی در هیچ یک از متون قانونی ما و همچنین متون خارجی تعریف جامع و کاملی ارائه نشده است. شاید دلیل آن را بتوان جدید بودن موضوع دانست. حساب مجازی از اجزای متعددی تشکیل شده است که با جمع شدن آنها کنار هم یک حساب مجازی شکل می‌گیرد. از جمله اجزای حساب مجازی می‌توان به نام کاربری^۳، گذرواژه^۴، نمایه یا شرح حال^۵ و محتوا اشاره کرد.

در پیش‌نویس بازنگری شده قانون متحدالشکل دسترسی متولی به دارایی‌های دیجیتال، در قسمت ۱ از بخش تعاریف، حساب را این‌گونه تعریف کرده است: حساب قراردادی است که در آن یک متولی، دارایی دیجیتال کاربر را حمل، نگهداری، پردازش، دریافت یا ذخیره می‌کند یا کالا و خدماتی را به کاربر ارائه می‌دهد. در این تعریف فقط به یک جز از اجزای حساب مجازی پرداخته شده و آن هم شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات است. در صورتی که حساب مجازی دارای اجزای متعددی است. در قوانین داخلی هم تنها در بند خ از ماده یک آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی یکی از مصادیق آن

تعریف شده است. به‌موجب این بند حساب کاربری عبارت است از یک نشانی الکترونیکی که به هر یک از مراجعان قوه قضاییه به‌منظور دسترسی به سامانه ابلاغ اختصاص یافته است. این نشانی معمولاً یک شناسه و گذرواژه است. همان‌طور که مشخص است این تعریف فقط مختص به مراجعین قوه قضاییه است و همین‌طور فقط به اجزای شناسه و گذرواژه اکتفا کرده است. در یک تعریف ساده شاید بتوان حساب مجازی را این‌گونه تعریف کرد: حساب مجازی قراردادی است میان شرکت ارائه‌دهنده خدمات و کاربر که به کاربر اجازه می‌دهد وفق ضوابط قراردادی در بستری که شرکت در اختیار آن قرار می‌دهد به فعالیت بپردازد که این فعالیت‌ها اعم از ایجاد، ارسال، دریافت، ذخیره، نمایش اطلاعات و خرید و فروش است. حساب‌های مجازی را می‌توان در چهار دسته شخصی، مالی، تجاری و رسانه‌های اجتماعی قرار داد (پروانه، ۲۰۱۶).

بند اول: مالیت حساب مجازی

در ابتدا مال مفهوم گسترده‌ای نداشته است و صرفاً شامل اعیانی می‌شد که قابل بهره‌برداری و انتفاع باشد. به مرور زمان و گسترده‌تر شدن معنای مال، برخی فقها به درستی معنای عرفی آن را مدنظر قرار داده و آنچه را از نظر عرف و عقلا مال محسوب می‌شود، مال دانسته‌اند (شهلائی، ۱۳۹۵). در قوانین ما تعریفی از مال ارائه نشده است؛ بنابراین باید به تعاریف اساتید و حقوقدانان در این زمینه مراجعه کرد. شاید بتوان خودداری قانونگذار از تعریف مال را به این دلیل دانست که معنای عرفی مال در هر زمان متغیر است و تعریف آن ممکن است با تغییرات زمانی ناسازگار شود. هنگامی که فردی یک حساب کاربری ایجاد می‌کند، هدف از این اقدام معمولاً رفع نیازی خاص است که ممکن است جنبه مادی داشته باشد، مانند خرید کالا یا جنبه معنوی، مانند برقراری ارتباط با فردی دیگر برای کاهش دلنگی. همان‌طور که در تعریف مال آمده است، مال باید مفید باشد و نیازی را برآورده کند؛ خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی و قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین (کاتوزیان، ۱۳۹۰).

تسلیم مبیع بود. دادگله در رأی خود استدلال کرد که بیت کوین نوعی مال است که در ازای معوضی قرار می‌گیرد؛ لیکن تردیدی بر مجاز بودن آن نیست و در نهایت دادگاه خوانده را به تسلیم یک واحد بیت کوین در حق خواهان محکوم کرد.

3. Username
4. Password
5. profile

۱. نشست قضایی که در استان گیلان در مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۱ برگزار شد هیأت عالی در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان ارزهای دیجیتال را به عنوان محکوم به دانست یا خیر؟ پاسخ داده است که چون ارزهای دیجیتال مالیت دارند، بنابراین مانند سایر اموال قابلیت توقیف دارند.

۲. دعوایی در شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی بجنورد مطرح شد که در این پرونده خواهان مدعی بود که یک واحد بیت کوین از خوانده خریداری کرده و پول آن را نیز پرداخت کرده، ولی مبیع تسلیم نشده است و خواستار

دارایی‌های دیجیتال و حساب مجازی دو دیدگاه میان نویسندگان وجود دارد و دیدگاه غالب حساب مجازی را بخشی از دارایی‌های دیجیتال می‌دانند (دولت‌آبادی، دادورزی، فتحی، ۱۳۹۶). بنابراین، رابطه حساب مجازی با دارایی دیجیتال عموم و خصوص مطلق است. به این معنی که هر حساب مجازی دارایی دیجیتال است و برخی از دارایی‌های دیجیتال حساب مجازی هستند. برخی شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات در شروط خود به صراحت اعلام می‌کنند که حساب و محتوا متعلق به کاربر می‌باشد، برای نمونه در شرایط فیس‌بوک در قسمت بیانیه حقوق و مسئولیت‌ها و «شرایط خدمات» تویتر بیان شده که کاربر در واقع مالک حساب و تمام محتوای آن است (هالون، ۲۰۱۳). بنابراین، وقتی صحبت از حساب مجازی به میان می‌آید به معنی یک حساب به همراه محتوای آن است و با در نظر گرفتن هر کدام بدون دیگری نمی‌توان به تحلیل درستی دست یافت. بنابراین، در این مقاله هر زمان صحبت از حساب مجازی می‌شود، منظور حساب به همراه محتوا می‌باشد، اما نکته دیگر که اشاره به آن ضروری است محتوای حساب کاربری می‌باشد. محتوا یکی از اصلی‌ترین ارکان تشکیل‌دهنده حساب مجازی است. همین محتوای حساب است که کارکرد یک حساب را مشخص می‌کند و با توجه به همین محتوا حساب کاربری در تقسیم‌بندی چهارگانه حساب شخصی یا اجتماعی و.... قرار می‌گیرد. برخی حساب‌ها صرفاً حاوی اطلاعات شخصی هستند و برخی دارای ارزش مالی، مانند یک حساب کاربری در دیجی کالا. اهمیت این موضوع در زمان انتقال حساب روشن می‌شود. در انتقال حساب کاربری مانند انتقال اموال فیزیکی اموال شخصی و آن دسته اموال غیرمالی قابلیت انتقال ندارند و بالعکس اموالی که دارای خصیصه مالی هستند قابل انتقال هستند.

مبحث دوم: انتقال حساب مجازی از طریق عقد وقف

عقد وقف خصوصیتی دارد، مانند اینکه عین موقوفه باید عین باشد و قابلیت قبض و اقباض داشته باشد. حساب مجازی به دلیل غیرمادی بودن این خصوصیات را دارا نمی‌باشد. در این بخش با نگاهی متفاوت به معنی سنتی واژگان قابلیت وقف حساب مجازی بررسی می‌شود.

بند اول: معنی لغوی وقف

وقف در لغت به معنی ایستادن و درنگ کردن است. در لغت‌نامه دهخدا وقف را مترادف موقوفه، واگذاری، اهدا، بخشش، نذر، هبه، اقامت، توقف، ایست، مکث، وقفه، اختصاص دادن، منحصر کردن

بنابراین، حساب مجازی با توجه به تعریف بالا مال محسوب می‌شود؛ زیرا حساب مجازی یا نیاز مادی ما را برآورده می‌کند یا نیاز معنوی ما را. مثلاً حساب کاربری ما در سایت دیجی کالا نیازهای مادی را برطرف می‌کند و یا حساب‌های رسانه‌های اجتماعی اغلب نیازهای معنوی ما را برطرف می‌کنند. بنابراین، با توجه به کارکرد و محتوای حساب مجازی می‌توان به آن خصیصه مادی یا معنوی بودن را داد. علاوه بر این، این اطلاعات به دلیل اینکه به وسیله یک شخص تولید، نوشته، بارگذاری، فروش و خریداری می‌شوند، تمامی محتوای حساب‌های مجازی قابل انتساب به شخص است؛ زیرا یکی از اجزای تشکیل‌دهنده حساب مجازی، کاربر است که وی در واقع تولید محتوا می‌کند و این تولید محتوا طبق بند ۴۶ قانون اساسی متناسب به وی است. حساب مجازی عین نیست؛ زیرا قابلیت لمس ندارد و هیچ فضایی را اشغال نمی‌کند (واتکینز، ۲۰۱۴). بنابراین، در دسته اموال غیرمادی قرار می‌گیرد. در حقوق ایران مالکیت اموال غیرمادی پذیرفته شده است (طاهری سر تشنیزی، ۱۴۰۲).

بند دوم: مالکیت حساب مجازی

با توجه به پذیرفته شدن مالکیت اموال غیرمادی حال باید دید در حساب مجازی این مالکیت متعلق به چه کسی است؟ کاربر یا شرکت ارائه‌دهنده خدمات؟ در مورد مالکیت کاربر نسبت به حساب مجازی همان‌طور که در مباحث قبل اشاره شد با توجه به ماده ۴۶ قانون اساسی کاربر مالک محتوای حساب خود است؛ زیرا محتوا حاصل کار و تلاش کاربر است، متعاقب آن حساب مجازی که دروازه ورود به محتوا است نیز متعلق به کاربر می‌باشد؛ زیرا تمام تعلقات مربوط به ملک داخل در مالکیت است. مطابق ماده ۳۰ قانون مدنی مالک حق هرگونه انتفاع از ملک خود را دارد. بنابراین، کاربر حق هرگونه تصرف در حساب خود را دارد که این حق شامل انتقال حساب هم می‌شود. در واقع اگر کالای دیجیتال را دارایی بدانیم، از نظر تئوری، کاربر مالک آن است و می‌تواند آن را در زمان حیات یا در هنگام مرگ منتقل کند؛ زیرا «مالکیت و قابلیت انتقال دارایی‌ها با هم مرتبط هستند (وارنادو، ۲۰۱۳). علاوه بر این شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات نسبت به مالکیت محتوا هیچ ادعایی ندارند و در شروط خود به صراحت، مالک محتوای حساب را کاربر می‌دانند (هالون، ۲۰۱۳). از این‌رو، منطقی به نظر نمی‌رسد که فرد مالک باشد، اما از اداره اموال خود محروم گردد. نکته دیگر که حائز اهمیت است تفاوت میان حساب و محتوای حساب کاربری می‌باشد. در ارتباط با

بیان داشته است. کلمه وقف در زبان فارسی به معنی ایستادن و نگه داشتن می باشد (امامی، ۱۳۸۳).

بند دوم: وقف در اصطلاح حقوقی

ماده ۵۵ قانون مدنی وقف را این گونه تعریف کرده است: وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل گردد. مراد از حبس مال؛ یعنی هیچ گونه نقل و انتقالی صورت نگیرد و نیز تصرفاتی در مال صورت نپذیرد که موجب بطلان مال گردد؛ زیرا هدف از وقف بهره برداری دائمی موقوف علیهم از مال موقوفه است.

بند سوم: خصوصیات مال موقوفه

طبق ماده ۵۵ قانون مدنی متوجه می شویم مال موقوفه باید دارای خصوصیات زیر باشد:

الف) مال باشد: در همین راستا ماده ۵۸ قانون مدنی بیان می دارد اموال منقول و غیرمنقول و مفروز و مشاع قابلیت وقف دارند و مراد قانونگذار از تأکید به مال منقول و مشاع این بوده که شبهه ایجاد نشود که فقط اموال غیرمنقول قابلیت وقف دارند (امامی، ۱۳۸۳).

ب) عین باشد: ماده ۵۸ در این خصوص بیان می دارد وقف مالی جایز است که با بقا عین بتوان از آن منتفع گردید. همچنین ماده ۵۵ بیان داشته است که وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس شود.

ج) قابلیت اقباض داشته باشد: ماده ۶۷ قانون مدنی در این خصوص بیان می دارد مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست وقف آن باطل است. ماده ۶۱ نیز بیان می دارد وقف بعد از وقوع آن به نحو صحت و حصول قبض لازم است. بنابراین، قابلیت قبض از شرایط صحت معامله می باشد و وقفی که مال موقوفه را نتوان به قبض داد، باطل است.

د) قابلیت بقا داشته باشد: به این معنی که با استفاده از عین موقوفه مال از بین نرود.

با توجه به بررسی شروط بالا در ابتدا شاید این نظر به ذهن خطور کند که وقف اموال غیرمادی و حساب مجازی که یک مال غیرمادی است، امکان پذیر نباشد؛ چون اموال غیرمادی را نمی توان قبض کرد و همچنین این اموال عین نیستند؛ زیرا طبق نص صریح ماده ۵۸ و ۶۷ دو کلمه عین و قابلیت اقباض به کار رفته است.

بنابراین، قائلین به بطلان وقف اموال موقوفه با ذکر موارد بالا؛ یعنی عدم وجود شرایط مال موقوفه در اموال غیرمادی و معنوی آنها را قابل وقف نمی دانند.

اما باید به این نکته توجه داشت که به رغم کثرت تأکيدات کتاب و سنت به وقف به نظر می رسد بیشتر مقررات عمل به مورد وقف اجتهاد فقها می باشد. به همین دلیل است که بسیاری از فقها و حقوقدانان معتقدند که مقررات وقف یک حقیقت شرعی نیست و آن را یک حقیقت عرفی و عقلایی معرفی می کنند (نریمانی، ۱۳۹۶).

بند چهارم: بررسی شروط مال موقوفه در حساب

مجازی

الف) بررسی شرط مالیت

چیزهای غیرمادی به عنوان مال شناسایی شده اند و قانونگذار آنها را اعتبار کرده و اموال غیرمادی نیز دارای ارزشی همانند اموال مادی هستند و تفاوتی از جهت اعتبار و ارزش با آنها ندارند. بنابراین، اموال غیرمادی اولین شرط یعنی مالیت را دارا هستند.

ب) عینیت داشتن مورد موقوفه

ابتدا شاید این طور به نظر رسد که اموال غیرمادی این شرط را دارا نیستند، ولی باید دید مقصود از عین در این ماده چه می باشد؟ مدرک عمده تمامی فقها در تعریف وقف، حدیث نبوی است که می فرماید: حبس الاصل و سبب الثمره؛ اصل را نگه دار و ثمره را جاری ساز؛ «چراکه در نظر بسیاری از فقیهان مصداق عین، تنها مصداقی از اموال بوده که استحصال منافع از آن، ملازمی با نابودی اش نداشته و اصل آن خصلت ماندگاری در گذر زمان را واجد بوده است. بر همین اساس در وقف اموال غیرمادی به دلیل نداشتن عین خارجی، تردید شده است، اما از آنجایی که لفظ اصل در این روایت مطلق بوده، اعیان و غیر اعیان - از جمله اموال معنوی - را شامل می شود. به عبارت دیگر، اطلاق کلمه اصل که در حدیث مذکور و عبارت بسیاری از فقها آمده است هر مالی را که با انتفاع از آن، اصل آن مال محفوظ بماند، شامل می گردد (ایوبی، ۱۴۰۰).

از طرف دیگر، برخی معتقدند که در این ماده عین در مقابل دین و منفعت به کار رفته است. برای مثال صاحب جواهر می فرماید: چیزی که از اعیان نباشد، وقفش صحیح نیست، مانند دیون (آقاسی، ۱۳۹۵). بنابراین، با توجه به این توضیح این طور

معنوی غیر قابل لمس است و این وصف هیچ تأثیری در بقای آن نخواهد داشت و می‌توان مال غیرمادی را نیز حبس و از منافع آن بهره‌مند شد. در اینجا عین مال به معنای خود مال است که در مقابل دین و منفعت قرار می‌گیرد نه وجود مادی و خارجی داشتن. به عبارت دیگر، گاهی عین، در معنای وجود مادی و به اصطلاح tangible به کار می‌رود که در این مفهوم عین در مقابل اشیای غیرمادی نظیر اموال معنوی قرار می‌گیرد، اما گاهی عین را در مقابل منفعت به کار می‌برند که منظور اصل خود مال است. این اشتباه در واقع ناشی از اشتراک لفظی بودن عین است. پس طرح شرط عین بودن حسب اقتضائات زمان خود، قابل توجیه است و ناظر به خروج مصادیقی همچون حقوق معنوی که مستحده هستند و انتفاع از آنها نیز با بقای اصلشان میسر است از دایره وقف خارج نیست (ایوبی، ۱۴۰۰). در واقع قانون مدنی به طور صریح وقف را به عین محدود نکرده است اگرچه در موارد مختلف از عین نام برده است، ولی هر جا از موضوع وقف نام برده از کلمه مال استفاده کرده است و هر جا از ویژگی‌های آن مال صحبت بکند، از کلمه عین استفاده کرده است. توجه به مواد ۵۷، ۵۸، ۶۴ و ۶۷ مؤید این نظر است (نریمانی، ۱۳۹۶). بنابراین، بهتر است در تفسیر واژه عین شیوه‌ای را در پیش گرفت که صرفاً اموال مادی را شامل نشود و حداقل اموال غیرمادی و حقوق معنوی را نیز شامل شود.

نکته دیگر که باید به آن توجه کرد این است که قانونگذار در برخی موارد وقف اموال غیرمادی را مستند کرده است که در ادامه به مصادیق آن اشاره می‌کنیم.

سهام (ماده ۴۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷) قابلیت قبض و قباض و تسلیم شدن را دارد، در حالی که عین نیست.

قانون اوقاف مصوب ۱۳۵۴ در تبصره ماده ۱۸ خود بیان می‌دارد خرید سهام مؤسسات تولیدی به تشخیص شورای عالی اوقاف و با رعایت مقررات قانون مدنی در مقام تبدیل به احسن مجاز است و انتقال این سهام جز در موارد تبدیل به احسن جایز نیست.

ماده ۴۴ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه بیان می‌دارد سهام اوراق بهاداری که از محل ثمن موقوفات خریداری شده، در حکم عین موقوفه است و قابل انتقال نیست، مگر در موارد تبدیل.

بنابراین، امکان وقف حساب مجازی متصور می‌باشد و قانونگذار با توجه به اینکه اموال غیرمادی نه دین است و نه عین و با توجه به خصیصه خاص خود و اینکه آنها قابلیت برآورده کردن هدف غایی وقف را دارند، برای این اموال این امکان را

به نظر می‌رسد که در اینجا کلمه عین در مقابل دین به کار رفته و همچنین در ادامه اشاره به انواع دیگری همچون کلی می‌نماید که این وقف را صحیح نمی‌داند (مانند اینکه بگوید خانه‌ای را وقف کردم، ولی آن خانه را تعیین نکند گرچه آن را با اوصاف مشخصی توصیف نماید). در ادامه وقف منفعت را نیز باطل می‌داند. بنابراین، وقف می‌تواند اموال معنوی و غیرمادی را نیز در بگیرد؛ زیرا این اموال نه دین هستند که بر ذمه افراد تعلق می‌گیرد و نه منفعت که به تدریج حاصل می‌شوند، بلکه این اموال همان‌طور که گفته شد، هم‌تراز با اموال مادی هستند. در مورد وقف دین نیز باید قائل به تفصیل شد. اگر موضوع دین مبلغی پول باشد یا انجام کاری، چون عینیت ندارد و در نتیجه قابلیت بقای بعد از انتفاع ندارد، نمی‌توان آن را وقف کرد، اما اگر موضوع دین عین باشد، مانند اینکه شخصی مقدار معینی طلا از شخصی طلبکار باشد، به نظر می‌رسد مانعی در راه وقف چنین دینی وجود نداشته باشد. این امر با اصالة الصحة و اصل عدم منع مطابقت دارد (آقاسی، ۱۳۹۵).

بنابراین، به نظر می‌رسد هدف از شرطیت عین این است که مصادیقی که قابلیت ماندگاری ندارند از شمول وقف خارج گردند؛ به این معنی که چنانچه عینی هم وجود داشته باشد که با استفاده از بین برود از شمول وقف خارج می‌گردد. بنابراین، فلسفه به کار بردن عین به این دلیل بوده که مصادیق باطل را از این دایره خارج کند همانند دیون. چنانچه صاحب جواهر در توضیحات خود بیان داشته است: چنانچه خانه‌ای وقف شود، ولی به صورت کلی قابلیت وقف را ندارد در این مثال خانه یک عین است، ولی به دلیل دارا نبودن سایر شرایط وقف باطل است. بنابراین، صرف غلبه عین بر مال کفایت نمی‌کند، بلکه مقصود از عین این بوده که با استفاده باقی بماند. این خصیصه را اموال غیرمادی نیز دارا هستند در نتیجه عین بودن مورد وقف را نمی‌توان از شرایط صحت عقد به شمار آورد. بنابراین، آنچه در این خصوص موضوعیت دارد این است که انتفاع از مال با بقای آن مغایرت نداشته باشد. بنا به گفته فقها هر چه که با بقای عینش امکان استفاده از آن باشد، وقفش جایز است. بنابراین، هر چیزی که بتوان از آن منتفع گردید بدون اینکه از بین برود، قابلیت وقف دارد هر چند این مال غیرمادی باشد. لازم به ذکر است که هر جا سخن از حقوق معنوی می‌شود، منظور جنبه مالی این حقوق می‌باشد. بدیهی است که جنبه غیرمالی مربوط به شخصیت و غیر قابل انتقال می‌باشد. حقوق معنوی شباهت زیادی با مالکیت عین دارند و تفاوت آنها در این است که موضوع مالکیت در مالکیت بر عین ملموس است، ولی موضوع مالکیت در مالکیت

قابل شده است. شناسایی و وجود شخصیت حقوقی برای هر موقوفه به شرح مندرج در ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ نیز ما را از این امر بی‌نیاز می‌سازد که با وجود شخصیت مستقل و دارایی اختصاصی برای هر موقوفه، اموال را به اعیان محدود نماییم. در حالی که این شخصیت حقوقی می‌تواند از هر مالی با هر کیفیتی بهره‌برداری کند (نریمانی، ۱۳۹۶).

ج) قابلیت قبض

از جمله مسائل مورد بحث در مورد وقف حساب مجازی مسئله قبض و اقباض این اموال است. ماده ۶۷ قانون مدنی در این خصوص بیان می‌دارد مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست، وقفش باطل است. در مورد معنای قبض احوال بسیاری وجود دارد و تقریباً در تمامی این احوال قبض در معنای واحدی به کار رفته است که عبارت است از استیلا و سیطره بر مال می‌باشد (آقاسی، ۱۳۹۵). در بین حقوقدانان و فقها در مورد قبض دو نظریه وجود دارد:

نظر اول، قبض را شرط لزوم وقف می‌داند. بر این اساس عقد وقف پیش از اقباض مال به موقوف علیه عقدی است جایز و واقف می‌تواند آن را فسخ کند و اگر پیش از قبض بمیرد، وقف باطل می‌شود و نظر دوم، آن را شرط صحت تحقق وقف می‌داند که مطابق با این نظر تا قبل از تحقق قبض عمل واقف واجد اثر نمی‌باشد (ایوبی، ۱۴۰۰).

با توجه به ماده ۶۰ قانون مدنی به نظر می‌رسد عقد زمانی لازم می‌شود که به قبض داده شود و ماده ۵۹ نیز شرط تحقق وقف را قبض می‌داند. بنابراین، قبض شرط صحت عقد وقف می‌باشد، ولی همان‌طور که در ابتدای بحث گفته شد وقف یک حقیقت شرعی نیست، بلکه یک حقیقت عرفیه است. در بحث قبض هم همین موضوع جاری است و همان‌طور که گفته شد، منظور از قبض را استیلا و سیطره بر مال می‌دانند. بر همین مبنا امام خمینی می‌فرماید: هر جا که در معاملات و ابواب فقهی صحبت از قبض می‌شود، منظور معنای لغوی و حقیقی آن نیست، بلکه مقصود معنای عرفی آن است که همان استیلاست و اصالت معنای حقیقی آن مفید نیست (همان).

ماده ۳۶۹ قانون مدنی بیان می‌دارد که تسلیم باید به نحوی باشد که عرفاً آن را تسلیم گویند. بنابراین، با توجه به اینکه لفظ قبض یک حقیقت عرفیه است، مناط اعتبار آن عرف می‌باشد. ماده ۳۶۷ قانون مدنی نیز قبض را در مفهوم استیلا مشتری بر

مبیع عنوان کرده است. بنابراین، هم عرف و هم قانون قبض را به معنی استیلا بر مال عنوان کرده‌اند. در واقع ماده ۳۶۹ قبض هر مالی را به ماهیت و طبیعت ذاتی آن ارجاع داده است و این امر شاید به این دلیل بوده که قانونگذار مسئله گذر زمان و به وجود آمدن مسائل نو و جدید را مدنظر قرار داده است و به همین دلیل قبض را موکول به زمان و عرف موجود کرده است. در واقع، امروزه در عرف قبض را چیزی جز توانایی قابض بر تصرف در مورد قبض نمی‌دانند و اختلاف فقها بر سر مصداق است نه مفهوم آن (صفار، ۱۳۹۰). بنابراین، با توجه به توضیحات فوق نباید در قبض حساب مجازی تردید کرد؛ زیرا در این اموال نیز امکان سیطره و استفاده از منافع برای موقوف علیه امکان‌پذیر می‌باشد. مثلاً در مورد یک حساب یوتیوب که نویسنده از آن کسب درآمد می‌کند، می‌تواند در آمد کسب شده از این راه را وقف نماید. در واقع، امکان وقف حساب یوتیوب وجود دارد. در مورد قبض نیز ما نیاز به تعدیل حکم قانون داریم؛ به این معنی که رویه قضایی در مورد مفهوم قبض سخت‌گیری نکند و استیلای عرفی بر مورد رهن را برای تحقق آن کافی بداند (کاتوزیان، ۱۳۹۵). در همین زمینه آرای نیز صادر شده است که مسئله قبض را به عرف واگذار کرده است. در رأی شماره ۴۴۷/۹۲ صادره از شعبه ۸۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران تصریح شده است که نحوه تحقق قبض به اعتبار منقول و غیرمنقول بودن موضوع معامله و یا سایر ویژگی‌های آن، مطابق داوری عرف متفاوت خواهد بود.

نتیجه حاصل از بحث را می‌توان این‌گونه بیان کرد که باتوجه به نظر فقها و قوانین موجود و همچنین رویه قضایی نظر حاکم در مورد قبض اموال غیرمادی این است که قبض این‌گونه اموال با توجه به نیازهای امروز جامعه و گسترش اموال غیرمادی در زندگی روزمره و همچنین عرف موجود امکان‌پذیر می‌باشد.

د) قابلیت بقا در حساب مجازی

منظور از بقا در این بند به این معنی نیست که مال موقوفه برای همیشه وجود داشته باشد؛ زیرا این امر منطقی به نظر نمی‌رسد و هر مالی فانی است و روزی از بین خواهد رفت و بنابراین منظور این است که مال موقوفه برای همیشه وقف شود نه اینکه همیشه باقی بماند. به عبارت دیگر دائمی بودن، قید عقد وقف است، نه قید مال موقوفه و آنچه با تأیید ناسازگار است مقید ساختن وقف به زمان معین است و گرنه اموال بسته به ماهیت و اجزای

واقعیت ناشی می‌شود که قرارداد خدمات هر شرکتی بسیار متفاوت است. بنابراین، هیچ یکسانی در مورد اطلاعات ذخیره شده در حساب متوفی وجود ندارد. شرکت‌ها در قراردادهای منعقد بین خود و کاربران شرایط حساب را مشخص و به‌نوعی برای سرنوشت حساب‌های مجازی به‌صورت یک‌طرفه تعیین تکلیف می‌کنند. حال سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا شرکت‌ها می‌توانند با استناد به شروط مندرج در قرارداد از انتقال حساب مجازی جلوگیری به عمل آورند یا خیر؟ دادگاه‌ها در برخورد با چنین قراردادهایی چه رویه‌ای را در پیش گرفته‌اند؟

رویکرد قراردادی از یک محدودیت اولیه رنج می‌برد: حقوق کاربران توسط آنچه ارائه‌دهندگان خدمات در شرایط توافق‌نامه‌های استفاده خود بیان می‌کنند محدود می‌شود. به گفته F. Gregory Lastowka و Dan Hunter، این توافق‌ها و قراردادهای باعث تسلیم کاربران در برابر شرکت‌ها خواهد بود (هالون، ۲۰۱۳) و در ادامه بیان می‌دارد هر چند حق مالکیت نسبت به حساب مجازی وجود دارد، ولی استفاده از این حق به شرایط توافق‌نامه بستگی دارد. اگر کاربران به طور مثبت بر روی شرایط ارائه‌دهنده خدمات کلیک نکنند، نمی‌توانند به وب‌سایت دسترسی داشته باشند. با این حال، اکثر کاربران حتی متوجه نمی‌شوند که با چه چیزی موافقت می‌کنند. این به دلایل بسیاری مشکل‌ساز است، تعداد زیادی از موافقت‌نامه‌هایی که مردم با آن روبه‌رو می‌شوند و عدم وجود جایگزین برای این سرویس‌ها باعث می‌شود که کاربران به طور کامل این توافق‌نامه‌ها را نخوانند و درک نکنند. تحقیقات اخیر نشان داده است تنها حدود هفت درصد از مردم در واقع شرایط کامل را می‌خوانند و خواندن آن نیز حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ ساعت طول می‌کشد. با خواندن کامل تمام این شرایط و سیاست‌ها، کاربران ممکن است به طور کامل درک نکنند که قصد و نیت ارائه‌دهندگان خدمات چیست و با این اطلاعات چه کاری می‌توانند انجام دهند. با این حال، حتی اگر کاربران تمام شرایط را درک کنند، ممکن است جایگزین خوبی برای سرویس وجود نداشته باشد و بنابراین، آنها به طور مؤثر هیچ انتخابی جز پذیرش شرایط ندارند (کان، ۲۰۱۵).

در قانون مدنی ماده ۱۹۰ شرایطی را برای انعقاد یک قرارداد صحیح ذکر کرده که بند اول آن به قصد و رضای طرفین اشاره دارد. در این‌گونه قراردادها قصد کاربر و رضایت وی مشخص نیست و اساساً جایی برای ابراز قصد واقعی کاربر وجود ندارد و همان‌طور که گفتیم فرد ممکن است اصلاً متوجه شرایط قرارداد نشده باشد. از طرف دیگر، چاره‌ای جز پذیرش شرایط ندارد و

تشکیل‌دهنده آن، دیر یا زود، غیر قابل انتفاع می‌شوند. مضافاً این که اگر مراد از ابدیت، دوام و مادام‌العمر بودن عین موقوفه باشد هیچ مالی به ابدیت پیوند نمی‌خورد، پس منظور از لزوم تأیید وقف دوام وقف مادام موقوف است نه علی الطلاق (ایوبی، ۱۴۰۰). دکتر امامی نیز در این زمینه این‌گونه بیان داشته‌اند که قانون مدنی تصریح به شرط بودن دوام ننموده است (امامی، ۱۳۸۳). نکته دیگر که لازم به ذکر می‌باشد این است که در این مورد نباید طول زمان عمر و ماندگاری مال را بررسی کرد. به عبارت دیگر، مفهوم دقیق این شرط این است که استفاده از مال نباید دلیل زوال آن باشد (آقاسی، ۱۳۹۵). بنابراین، با توجه به اینکه هر مالی در اثر استفاده مستهلک می‌شود و روزی از بین خواهد رفت نمی‌توان این شرط را از شروط صحت عقد وقف دانست. اثر وقف انتقال مالکیت از واقف است و این انتقال مالکیت با خصیصه دائمی بودن همراه است. بنابراین، این انتقال مالکیت در اموال غیرمادی نیز متصور خواهد بود.

مبحث سوم: بررسی رویکردها

با توجه به توضیحات ارائه شده پاسخ پرسش نخست را می‌توان این‌گونه داد که با توجه به مفهوم عرفی قبض و همچنین تفسیر متفاوت از واژه عین وقف حساب مجازی امکان‌پذیر می‌باشد، اما همان‌طور که در ابتدای بحث گفته شد، هنگامی که صحبت از انتقال حساب مجازی می‌شود منافع افراد متعددی را باید در نظر گرفت بر همین اساس رویکردهای متفاوتی ایجاد شده‌اند که برای تحلیل بهتر انتقال حساب مجازی به بررسی این رویکردها و نظریه‌ها می‌پردازیم. این رویکردها عبارت‌اند از: رویکرد حقوق اموال و مالکیت، رویکرد حقوق قراردادهای، رویکرد حریم خصوصی و در نهایت رویکرد جامعه‌محور که ادامه مشخص خواهد شد که آیا این رویکردها می‌توانند به‌عنوان مانعی سر راه انتقال حساب مجازی محسوب شود یا خیر؟

بند اول: رویکرد حقوق اموال

طبق رویکرد حقوق اموال با توجه به اینکه حساب را جزو دارایی و اموال کاربر محسوب می‌کند و هر مالک می‌تواند هر گونه دخل و تصرف در مال خود بنماید. بنابراین، انتقال حساب مجازی را بلامانع می‌داند.

بند دوم: رویکرد قراردادی

شرکت‌های مختلف نقش بزرگی در تعیین اینکه چه اتفاقی برای دارایی دیجیتال یک کاربر می‌افتد، ایفا می‌کنند. مشکل از این

همچنین شرایطی هم برای چانه‌زنی ندارند (روی، ۲۰۱۰). بنابراین، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات به صورت یک‌جانبه شرایط قراردادی را برای کاربر دیکته می‌کنند. به همین دلیل برخی این قراردادها را به عنوان قراردادهای غیرقابل مذاکره می‌دانند و آن را قابل اجرا نمی‌دانند (تارنی، ۲۰۱۲). بنابراین، با توجه به توضیحات بالا می‌توان گفت این گونه قراردادها در دسته قراردادهای الحاقی^۱ جای می‌گیرند. این شرایط توافق نامه خدمات در نهایت حریم خصوصی یک کاربر را در اختیار یک ارائه‌دهنده خدمات قرار می‌دهد که ممکن است خواسته‌های کاربر را در مورد چگونگی رفتار با حریم خصوصی خود چه در زمان حیات و چه پس از مرگ نادیده بگیرد. اکثر ارائه‌دهندگان خدمات اینترنت همچنین به اشتراک‌گذاری یا انتقال جزئیات ورود به حساب را به شخص دیگری ممنوع می‌کنند، صرف نظر از رابطه او با کاربر. شاید بتوان معاملات TOSA^۲ را نمونه‌ای از سو استفاده از شرایط اضطرار برشمرد.^۳ در این گونه معاملات شرکت‌ها از شرایط انحصاری خود سوء استفاده کرده و شرایط ناعادلانه و غیرمنصفانه را در قرارداد جای می‌دهند. در واقع، در این معاملات هیچ قرارداد داری دیجیتال مذاکره نمی‌شود، شرکت‌ها تمام شرایط قراردادهای را تعیین می‌کنند که می‌توانند در هر زمان تغییر کنند و شرکت‌ها به طور غیرمنطقی تمام بندهای قرارداد را طراحی می‌کنند. مانند اینکه حساب‌ها با مرگ خاتمه می‌یابند. درحالی‌که این داری‌ها برای کاربران و یا بازماندگان آنها دارای ارزش مادی یا معنوی است. به طوری‌که کاربران آمریکایی داری‌های دیجیتال خود را به طور متوسط تقریباً ۵۵۰۰۰ دلار ارزش گذاری کردند (مک‌کارتی، ۲۰۱۵). با نگاهی به آرای صادر شده در این زمینه شاید بتوان این طور برداشت کرد که دادگاه‌ها در آرای خود شروط قراردادی را مدنظر قرار نمی‌دهند و بیشتر با توجه به اوضاع و احوال و شرایط به نفع کاربر یا ورثه وی اقدام به صدور رأی کرده‌اند. بنابراین، شرایط قراردادی را نمی‌توان به عنوان مانعی برای انتقال حساب مجازی برشمرد. در ادامه به نمونه‌هایی از این آرا اشاره می‌شود.

در آرای مورد بررسی دادگاه‌ها از جهت‌های گوناگون به حساب مجازی نگاه می‌کنند. برخی به دلیل اینکه حساب‌ها دارای ارزش اقتصادی هستند آن را قابل انتقال به ورثه دانستند. برای نمونه در پرونده جان السورس که یک سرباز آمریکایی بود که در جنگ عراق به وسیله یک بمب کنار جاده‌ای کشته شد

متعاقباً پدرش از شرکت یاهو درخواست می‌کند که اطلاعات حساب کاربری فرزندش را در اختیار وی قرار دهد به این دلیل که این حساب‌ها ممکن است حاوی اطلاعات مالی مهم از جمله بدهی‌ها و مطالبات و مالیات باشد. در نهایت، دادگاه به یاهو دستور می‌دهد که اطلاعات حساب متوفی را در اختیار پدرش قرار دهد با این استناد که آنها جزو داری‌های متوفی هستند و بنابراین، در حال حاضر متعلق به خانواده وی هستند (کیو مینگ، ۲۰۱۴).

برخی از دادگاه‌ها با توجه به اینکه حساب‌ها فاقد ارزش مالی، ولی دارای ارزش معنوی هستند اقدام به صدور رأی بر خلاف شرایط قراردادی فی مابین شرکت و کاربر متوفی صادر نموده‌اند. برای نمونه در سال ۲۰۰۵ لورن ویلیامز بیست و دوساله در یک تصادف موتور سیکلت کشته شد. پس از آن مادر لورن، کارن، به امید کسب اطلاعات بیشتر در مورد پسرش بعد از پیدا کردن پسورد حساب لورن به فیس‌بوک ایمیل زد و از مدیران درخواست کرد که آنها اکانت را حفظ کنند تا اینکه او بتواند پست‌ها و نظرات دوستانش را بررسی کند، ولی در عرض دو ساعت پس از درخواست کارن، مدیران فیس‌بوک رمزهای او را تغییر دادند و مانع دسترسی وی به حساب پسرش شدند. کارن متعاقباً علیه فیس‌بوک شکایت کرد و پس از دو سال مبارزه حقوقی، فیس‌بوک به او اجازه داد تا ده ماه به حساب لورن دسترسی داشته باشد. پس از این دوره ده ماهه، نمایه فیس‌بوک لورن حذف شد (داد پرونه، ۲۰۲۰).

اریک راش، یک نوجوان پانزده ساله ساکن ویرجینیا، در ژانویه ۲۰۱۱ خودکشی کرد. والدین اریک از حساب فیس‌بوک پسرشان اطلاعی نداشتند، زمانی که متوجه شدند پسرشان یک حساب فیس‌بوک دارد از فیس‌بوک خواستند تا رمز عبور حساب را در اختیار آنان قرار دهد برای اینکه بتوانند در مورد دلیل خودکشی پسرشان سرنخ‌هایی به دست آورند. فیس‌بوک در ابتدا از دسترسی به حساب اریک، خودداری کرد سرانجام پس از ده ماه به اطلاعات وی دسترسی پیدا کردند و یک کپی از حساب در یک CD دریافت کردند (همان).

دسته دیگر از دادگاه‌ها با توجه به اینکه اساساً قراردادهای شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات به این دلیل که به صورت یک‌جانبه منعقد شده و یا کاربر از شرایط قراردادی مطلع نبوده آن را فاقد اعتبار می‌دانند. به عنوان مثال، در پرونده Ajemian

۳. قراردادهای بین شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات و کاربران را Tosa می‌گویند.

1. contrat d'adhésion
2. Terms of service agreement

وارثان به پیام‌های ایمیل که ارزش اقتصادی قابل توجهی را نشان نمی‌دهند باعث ایجاد عدم اطمینان برای کسانی می‌شود که ایمیل را به آن حساب ارسال می‌کنند و این عمل می‌تواند به ضرر مخاطبین متوفی گردد (کیو مینگ، ۲۰۱۴). بنابراین، این‌طور به نظر می‌رسد که حریم خصوصی می‌تواند به‌عنوان یک مانع برای انتقال حساب‌های مجازی به حساب آید، اما از جمع مباحث مطرح‌شده این نتیجه حاصل می‌گردد که ما حساب مجازی را به چهار دسته تقسیم‌بندی کردیم و یک دسته به نام حساب‌های شخصی نام‌گذاری شد. این حساب‌ها حاوی اطلاعات شخصی هستند و همین‌طور حساب‌های تجاری که حاوی اطلاعات کاربر و مخاطب می‌باشد. از طرف دیگر، ماهیت حساب مجازی را دوگانه تلقی کردیم مالی و غیرمالی که حقوق مربوط به شخصیت را شامل می‌شود. بنابراین، حساب‌هایی که مربوط به حقوق شخصیت هستند و همچنین حساب‌هایی که حاوی اطلاعات شخصی و خصوصی هستند، غیرقابل انتقال چه از طریق عقود معین مانند وقف و چه از طرق قهری مانند ارث هستند. در موارد مربوط به اقامت اموال بسیار شخصی مانند خاطرات، نوشته‌های شخصی، یادداشت‌ها و موارد دیگر انتقال نباید مجاز باشد. این موارد به طور جدایی‌ناپذیری با شخصیت مالک / خالق خود مرتبط هستند و به همین ترتیب هیچ ارزش قابل تشخیصی برای شخص دیگری ندارند (کیو مینگ، ۲۰۱۴)، اما نکته مهم در انتقال قراردادی حساب مجازی این است که بر خلاف انتقال قهری مانند ارث که کاربر هیچ اراده‌ای در انتقال یا از بین بردن همه یا برخی پیام‌ها ندارد، در انتقال حساب به‌صورت وقف کاربر این کار را با اراده خود انجام می‌دهد و این انتقال در مورد اموالی که دارای ارزش اقتصادی هستند، اتفاق می‌افتد. بنابراین، احتمال نقض حریم خصوصی بسیار کم و حتی می‌توان غیرممکن دانست.

بند چهارم: رویکرد جامعه‌محور

در موضوع تحلیل حساب مجازی و ذی‌نفعان نباید منافع جامعه را نادیده گرفت؛ زیرا محتوای حساب‌های مجازی می‌تواند یک منبع ارزنده برای نسل‌های آینده به‌منظور شناخت وضعیت کنونی جامعه باشد. این حساب‌ها می‌توانند ارزشی برابر با آثار باستانی کشف شده داشته باشند. چه‌بسا تاریخ‌نویسان با مراجعه به همین حساب‌ها و اطلاعات آنها اقدام به نگارش تاریخ می‌کنند. در مورد انتقال به‌صورت وقف باید گفت اولاً این انتقالات شامل اموالی

Yahoo! Inc. یک مجری به دنبال دسترسی به حساب ایمیل متوفی بود و دادگاه این‌گونه استدلال کرد که دلیلی وجود ندارد که شرایط قرارداد به طور منطقی پذیرفته شده است و در نهایت اجازه دسترسی به حساب را صادر کرد (باننا، ۲۰۱۴). با وجود این واقعیت که دارایی‌های دیجیتال دارای ارزش عاطفی و مالی هستند، دارندگان حساب ممکن است مایل به انتقال به ذی‌نفعان خود باشند، قرارداد کنترل دارایی‌های دیجیتال ممکن است توانایی دارنده حساب را برای انجام این کار به‌شدت محدود کند. قراردادهایی که اجازه انتقال دارایی‌ها را نمی‌دهند، رژیم قانونی قانون ارث را تهدید می‌کنند و نباید توسط دادگاه‌ها و قوه مقننه تأیید شوند. دارایی‌های دیجیتال نمونه قابل توجه و گسترده‌ای از این تهدید را ارائه می‌دهند. دارایی‌های دیجیتال از الگوی آشنای یک دارایی تازه توسعه‌یافته پیروی می‌کنند که توسط قرارداد خصوصی کنترل می‌شود، روش تحریم انتقال دارایی‌ها با ممنوعیت انتقال به طور کامل. اگر چه این قراردادهای ممکن است از نظر رویه‌ای معتبر باشند، اجرای آنها نگرانی‌های قابل توجهی را ایجاد می‌کند (همان). بنابراین، بهتر است در گام اول نقش این شرکت‌ها را مشخص کنیم تا بتوانیم محدوده اختیارات آنها را با توجه به نقش آنها در این‌گونه قراردادهای تعیین کنیم. به نظر می‌رسد یک کاربر به شرکت‌ها به‌عنوان یک امانت‌گذار می‌نگرد تا یک اداره‌کننده اموال یا یک انباردار. طبق عقد ودیعه، هنگامی که یک کاربر دارایی‌های دیجیتال را با استفاده از یک سرویس آنلاین (به عنوان مثال حساب ایمیل یا سایت شبکه اجتماعی) ایجاد می‌کند، کاربر یا مودع این اطلاعات شخصی را به‌عنوان مال ودیعه به ارائه‌دهنده خدمات یا مستودع اعطا می‌کند. با این حال، حقوق مالکیت با خالق یا مودع باقی می‌ماند (چایو، ۲۰۱۵). بنابراین، این ذی‌نفع است نه ارائه‌دهنده خدمات که ممکن است تصمیم نهایی در مورد حفظ یا از بین بردن این اطلاعات را بگیرد.

بند سوم: حریم خصوصی

قبل از ورود به بحث باید به این نکته توجه کرد که منظور از حفاظت از حریم خصوصی صرفاً حفظ حریم خصوصی کاربر نمی‌باشد، بلکه مخاطبین کاربر که با وی در ارتباط هستند نیز دارای حریم خصوصی هستند و با انتشار اطلاعات حساب‌ها و یا انتقال آنها ممکن است حریم خصوصی آنان نیز نقض گردد. در همین رابطه استادان دارو^۱ و فررا^۲ استدلال می‌کنند که دسترسی

می‌شود که دارای ارزش اقتصادی هستند. بنابراین، نمی‌تواند ارزش قابل‌توجهی از منظر تاریخی داشته باشد. ثانیاً در موضوع وقف اموال دیجیتال و حساب‌های دیجیتال در واقع حساب منتقل می‌شود و در این حالت نیز فرض از بین رفتن اطلاعات حساب متصور نمی‌باشد. اینکه مالکان جدید چه تصمیمی برای سرنوشت این حساب‌ها می‌گیرند، بحث ثانویه است چه‌بسا خود کاربر نیز تمایل به از بین بردن یک سری از اطلاعات داشته باشد. در مورد اطلاعات شخصی و خصوصی و اموال غیرمالی هم که تکلیف روشن است آنها اساساً غیرقابل انتقال هستند و منطقی این است که این اطلاعات از بین بروند؛ زیرا بحث آبرو و حیثیت و حریم خصوصی افراد در میان می‌باشد و به نظر می‌رسد خطر از دست رفتن اطلاعات تاریخی کمی اغراق‌آمیز است (کیو مینگ، ۲۰۱۴). بنابراین، رویکرد جامعه‌محور نمی‌تواند به‌عنوان یک مانع برای انتقال حساب کاربر تلقی گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به رشد روزافزون اموال غیرمادی در زندگی ما به جاست که راهکارهایی برای استفاده در زمینه‌های مختلف از این اموال ایجاد گردد تا جامعه بتواند از منافع این منابع ارزشمند بهره‌مند گردد. در بحث انتقال حساب مجازی از طریق عقد وقف با توجه به اینکه این حساب‌ها می‌توانند دارای ارزش اقتصادی بسیار بالایی باشند، بنابراین، جامعه باید بتواند به‌وسیله وقف این حساب‌ها از منافع آن بهره‌مند گردد. بنابراین، با توجه به عدم وجود نص قانونی و کمبود متون حقوقی در این زمینه شایسته است قانونگذار تمهیداتی بیندیشد و با تدوین قوانین مناسب امکان استفاده از این منابع ارزشمند را برای جامعه فراهم نماید و از طرف دیگر، با تصویب مقررات آمره مانع از سوءاستفاده شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات که به‌وسیله شروط تحمیلی و غیرمنصفانه و تنظیم قراردادهای یک‌جانبه که اساساً عدم انتقال حساب مجازی را به بهانه حفاظت از حریم خصوصی هدف قرار داده شوند. در این صورت کاربر آزادی بیشتری در انعقاد قرارداد و بهره‌مندی از مزایای حساب مجازی را خواهد داشت. در غیر

این صورت این قراردادها در عمل باعث از بین رفتن اموال و دارایی‌های مجازی اعم از مادی و معنوی خواهد شد. البته اشکالی ندارد که پس از پذیرش مالکیت کاربر نسبت به حساب مجازی ارائه‌دهنده خدمات در قالب یک عمل حقوقی نظیر وصیت، شبیه به یک وصی این اختیار را داشته باشد که پس از فوت کاربر و استفاده نکردن وراثت او از آن حساب تا مدت مشخصی بتواند حساب مجازی را به فرد دیگری واگذار نماید. برای نمونه می‌توان به شرکت گوگل اشاره کرد. گوگل در سال ۲۰۱۳ با پیش‌بینی یک قالب شبیه به وصیت، به کاربر این اختیار را می‌دهد تا اطلاعات حسابش، در صورت غیرفعال بودن حساب او برای مدت مشخصی، در اختیار دیگری قرار گیرد. این قابلیت که موسوم به مخاطب مورد اعتماد^۱ یا مدیر حساب غیرفعال^۲ است، به صاحب حساب، این اختیار را می‌دهد تا انتخاب کند که گوگل پس از سپری شدن چه مدتی از عدم فعالیت، حساب را غیرفعال در نظر بگیرد. همچنین کاربر انتخاب می‌کند که پس از غیرفعال بودن حساب، اطلاعات مندرج در آن، توسط گوگل حذف گردد و یا در اختیار کاربر دیگری قرار گیرد. در صورتی که صاحب حساب تمایل به اشتراک‌گذاری محتوای حساب به کاربر خاص را داشته باشد، می‌تواند با درج اطلاعات مخاطب خود به گوگل، دستور به اشتراک‌گذاری اطلاعات حساب را بدهد. همین‌طور سرویس‌های آنلاین متعددی تحت عنوان اعتماد حفاظت‌آز دارایی‌های دیجیتال وجود دارند که به کاربران اجازه می‌دهند تا اطلاعات مهمی همچون فایل‌ها، گذرواژه‌ها و دستورالعمل‌ها ذخیره شوند و به‌محض فوت صاحبان آن، برای اشخاصی که از قبل معین کرده‌اند و به اطلاع آنها رسانده‌اند ارسال گردند. بنابراین، قانونگذار می‌تواند با تفسیر متفاوتی از نص قانون و با توجه به نیازهای روز جامعه در این مسیر قدم‌های مؤثر و سودمندی بردارد و همچنین رویه قضایی می‌تواند با تعدیل واژگان در هموارکردن مسیر کمک کند و ظاهر امر این‌طور به نظر می‌رسد که این مسیر را پیش گرفته و آرای در این زمینه صادر شده که تصریح بر حمل معنای عرفی قبض نموده است.

References

Agassi, M. (2016). *Endowment of intangible property in Iranian law and Imami jurisprudence with a*

comparative study of Sunni jurisprudence and English law. Tehran, ImamSadegh University Press. (in persian)

3. DAP Trust

1. Trusted Contact

2. Inactive account manager

- Ayubi, R. (2021). "Jurisprudential-legal challenges of endowment of intellectual property with a view of the English legal system. The fourth national conference of new researches in education, psychology", *jurisprudence and law and social sciences*. Shirvan. (in persian)
- Banta, N. M. (2014). Inherit the cloud: the role of private contracts in distributing or deleting digital assets at death. *Fordham L. Rev.*, 83, 799 .
- Banta, N. M. (2016). Property interests in digital assets: The rise of digital feudalism. *Cardozo L. Rev.*, 38, 109
- Chu, N. (2015). Protecting privacy after death. *Nw. J. Tech. & Intell. Prop.*, 13, 255
- Cahn, N. (2011). Postmortem life on-line. *Prob. & Prop.*, 25, 36.
- Conner, J. (2010). Digital life after death: The issue of planning for a person's digital assets after death. *Est. Plan. & Cmty. Prop. LJ*, 3, 301.
- Cummings, R. G. (2014). The Case against Access to Decedents' E-mail: Password Protection as an Exercise of the Right to Destroy. *Minn. JL Sci. & Tech.*, 15, 897.
- Emami, S.H. (2004). *Civil rights*, volume one. Tehran. Islamic Publications. (in persian)
- Fathi Badie, Dadmarzi Seyed Mehdi, Naseri Dolatabadi Mehdi. (2017). A comparative study of digital property wills in the laws of the United States of America, Canada and Iran. *Comparative Law Research*. 21 (2):129-156. (in Persian)
- Gaied, M. (2016). "Data after death: an examination into heirs' access to a decedent's private online account", *Suffolk UL Rev*, 49, 281.
- Hollon, J. R. (2013). "Tweets from the grave: Social media life after death". *Ky. LJ*, 102, 1031.
- Katouzian, Nasser. (2006). *The period of fixed contracts 4*. Tehran: Athakh publishing company. (in persian)
- Katouzian, Nasser. (2011). *Property and Ownership*, Tehran, Mizan Publishing House. (in Persian)
- McCarthy, L. (2015). Digital assets and intestacy. *BUJ Sci. & Tech. L.*, 21, 384.
- Mirshkari, M. (2017). "Inheritance of virtual accounts". *Bi-Quarter Scientific Journal of Civil Rights*, 7(2): 71-90. (in persian)
- Narimani, Nariman, Aghapourbishek, Mehdi. (2016). "Ability to endow immaterial property". *The 4th National Conference on Performance Evaluation Rights Law in the system of the Islamic Republic of Iran*. Mibad. (in persian)
- Nekit, K. (2020). Legal aspects of the use of social media accounts: current state and perspectives. *The Lawyer Quarterly*, 10(3).
- Perrone, M. What Happens When We Die: Estate Planning of Digital Assets" (2012). *CommLaw Conspectus*, 21, 185.
- Pinch, R. (2014). "Protecting digital assets after death: Issues to consider in planning for your digital estate". *Wayne L. Rev.*, 60, 545.
- Roy, M. D. (2010). "Beyond the digital asset Dilemma: Will online services revolutionize estate planning". *Quinnipiac Prob. LJ*, 24, 376.
- Safar.M.J. (2011). *Bill and its effect on contracts*. Tehran. Eternal Forest Publications. (in persian)
- Shahlaei, Maryam. (2010). *Sale of intangible property in Iranian-Egyptian law*, Master's thesis, Azad University, Quds City Branch. (in Persian)
- Taheri Sarteshnizi, M. (2023). "Passage on the ownership of immaterial non-intellectual property in Iranian law". *Legal civilization*, 14(6):159-184. (in

- persian)
- Tarney, T. G. (2012). "A call for legislation to permit the transfer of digital assets at death". *Cap. UL Rev.*, 40, 773.
- Varnado, S. S. (2013). "Your digital footprint left behind at death: An illustration of technology leaving the law behind". *La. L. Rev.*, 74, 719.
- Watkins, A. F. (2014). "Digital properties and death: What will your heirs have access to after you die". *Buff. L. Rev.*, 62, 193.
- Wilkins, M. (2010). "Privacy and security during life, access after death: Are they mutually exclusive". *Hastings LJ*, 62, 1037.